

بررسی مقابله‌ای رده‌شناختی همگانیهای گرینبرگ در گونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی

محمدعلی جعفری^۱، مهین‌ناز میردهقان^{۲*}

۱. دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات قم

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر، راستی‌آزمایی همگانی‌های گرینبرگ و بررسی شمول آنها در حوزه‌های ترتیب واژه و مقوله‌های تصریفی در سه گونه ترکی رزن، تبریز و استانبولی که از زیرشاخه‌های زبان ترکی محسوب می‌گردند، می‌باشد. دو گونه اول در منطقه غرب و شمال غرب ایران، در دو خطه مجزا به لحاظ جغرافیایی، واقع شده‌اند و گونه سوم، زبان رسمی کشور ترکیه می‌باشد. در رسیدن به اهداف پژوهش، داده‌های هر سه گونه، به روش مصاحبه با گویشوران بومی، ضبط صدا و آوانگاری داده‌ها ثبت و ۴۵ همگانی گرینبرگ به صورت هدف‌مند در داده‌های جمع‌آوری شده مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نمایانگر آن است که با وجود دوری منطقه جغرافیایی، سه گونه مورد بررسی قرابت بسیاری را درحوزه‌های نحوی، صرفی و رده‌شناسی آشکار می‌سازند. البته تفاوت‌هایی نیز میان سه گونه به ویژه گونه ترکی استانبولی با دو گونه دیگر دیده می‌شود که مهمترین آنان در حوزه واژگانی است. آمار و نتایج کاربردی این تحلیل در طی تحقیق ارائه شده است. نتایج حاصل به شرح زیر خلاصه می‌گردد: از ۴۵ همگانی گرینبرگ، ۱۸ همگانی در داده‌ها کاربرد دارد و از این مجموعه حدود ۴۰ درصد از همگانی‌ها مورد تایید می‌باشند. البته درصد مذکور در حوزه‌های متفاوت صرفی، رده‌شناختی و نحوی متفاوت می‌باشد که در متن تحقیق مورد تبیین قرار گرفته است.

کلید واژه: رده‌شناسی، ترکی رزن، ترکی تبریز، ترکی استانبولی، همگانی‌های گرینبرگ،

۱. مقدمه

در این پژوهش، به بررسی مقابله‌ای رده‌شناختی همگانی‌های گرینبرگ در سه گونه^۱ ترکی رزن، تبریز و استانبولی پرداخته می‌شود. تا از طریق نتایج حاصل بتوان به هدف پژوهش که راستی‌آزمایی همگانی‌های گرینبرگ و بررسی شمول آن در سه گونه مورد بررسی است دست یافت. از این رو در این پژوهش، بررسی مقابله‌ای-آماری دو گونه ترکی در ایران و گونه ترکی در ترکیه در راستای رسیدن به این هدف می‌باشد که چه درصدی از این همگانی‌ها، در این سه گونه، از کارایی لازم برخوردارند. این بررسی می‌تواند به سهم خود پایداری علمی اصول همگانی گرینبرگ را تخمین زده و تایید یا عدم تایید آن اصول را حتی المقدور در گونه‌های مذکور بررسی نماید چرا که همانگونه که دبیرمقدم (۱۳۹۲) بیان می‌دارد همگانی‌های گرینبرگ در ۳۰ زبان بررسی گردیده است که هیچ یک از زبان‌های ایرانی در این بررسی موجود نمی‌باشد. بنابراین در جهت تثبیت احتمالی این بررسی لازم است بر روی زبان‌های بسیاری از جمله زبان‌های ایرانی بر این اساس کاوش گردد تا به نتایج باثبات‌تر و بادقت بیشتری دست یافت که آیا این تعداد همگانی (۴۵) را می‌توان به اکثریت زبان‌های دنیا تسری داد و یا باید در آنها تغییراتی چه به لحاظ محتوایی و چه به لحاظ تعداد به‌وجود آید تا شمول حداکثری یابد. با این هدف پژوهشگر با بررسی این همگانی‌ها در صدد رسیدن به دو پرسش می‌باشد. ۱. چه تعداد از همگانی‌های گرینبرگ در گونه‌های مورد بررسی کارایی دارد؟ ۲. در چارچوب بررسی‌های همگانی‌های گرینبرگ به لحاظ رده‌شناختی، گونه‌های مورد بحث در صورت تنوع رده‌شناختی (تفاوت در طبقه زبانی) در چند طبقه زبانی قرار می‌گیرند؟

۲. پیشینه پژوهش

تا لحظه تحریر این مقاله، پژوهش‌های فراوانی در زمینه گویشی صورت پذیرفته است. گونه‌های متنوع زبان ترکی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و به انحاء مختلف مورد بررسی و تفحص قرار گرفته‌اند که در ذیل به برخی از آنها فهرست وار اشاره می‌گردد:

مظلومی (۱۳۷۹)، محجوبی (۱۳۷۵)، عباسچی (۱۳۷۷)، مرادی (۱۳۸۰)، صادقی نیارکی (۱۳۷۵)، جعفری (۱۳۷۴)، حیدری مزرعه جهان (۱۳۸۱)، حسابگر (۱۳۷۱)، جراحی (۱۳۷۹)، محمد

نژادشیلی (۱۳۸۰)، رضی نژاد (۱۳۸۱)، اژدرزاده (۱۳۸۲)، قربانزاده کلانپایی (۱۳۸۱)، هاشمی بنی (۱۳۷۹). ذکر این نکته ضروری است که پژوهش‌های نامبرده در حوزه‌های متنوع از جمله واژگانی، آوایی، واجی، نحوی و صرفی در گونه‌های ترکی صورت پذیرفته است و هیچ یک از آنها در زمینه مورد نظر تخصصی نداشته‌اند.

تا آنجایی که پژوهشگر بررسی نموده است، تنها پژوهشی که در راستای بررسی همگانی‌های گرینبرگ در داخل و خارج صورت پذیرفته است پژوهش میردهقان و مهمانچیان (۲۰۱۲) می‌باشد که این پژوهش نیز برخی از همگانی‌های گرینبرگ را به صورت گزینشی مورد مطالعه قرار داده است.

شهرستان رزن از توابع استان همدان می‌باشد که از ناحیه شمال و شمال شرقی به استان قزوین از جنوب به شهرستان کبودرآهنگ محدود می‌باشد. در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرستان رزن ۱۱۶۴۳۷ نفر بوده است. (ویکی‌پدیا)^۲

شهرستان رزن در مرکزیت روستاهایی نظیر درجزین، کاج، سوزن، کرفس، دمق، شاهنجرین و ... که همگی ترک زبان می‌باشند، قرار دارد. (جعفری، ۱۳۸۱: ۵)

از قسمت‌های مهم بخش رزن، شهرک رزن می‌باشد که در راه شوسه قزوین واقع شده و مشتمل بر ادارات می‌باشد. (صابری‌همدانی، ۱۳۷۵: ۵۳)

شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی می‌باشد. این شهر، بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب ایران است. در سال ۱۳۹۵ خورشیدی، جمعیت تبریز بالغ بر ۱,۵۵۸,۶۹۳ نفر بوده است. اکثریت ساکنان تبریز آذربایجانی بوده و به زبان ترکی آذربایجانی با لهجه تبریزی سخن می‌گویند؛ البته برخی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که تا سده یازدهم هجری، زبان آذری-شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی - در این شهر تکلم می‌شده است. (ویکی‌پدیا)

ترکیه شش همسایه آسیایی و دو همسایه اروپایی دارد. ترکیه در شرق با کشورهای (ایران و آذربایجان)؛ نخجوان (ارمنستان و گرجستان)؛ در جنوب شرقی با (عراق و سوریه) و در شمال غربی (بخش اروپایی) با (بلغارستان و یونان) همسایه است. زبان رسمی ترکیه، ترکی استانبولی است که در گذشته با خط عربی عثمانی نوشته می‌شد و از زمان تشکیل جمهوری ترکیه توسط آتاترک در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی (۱۹۲۳) با خط لاتین نوشته می‌شود. جمعیت ترکیه حدود ۷۷ میلیون نفر (برآورد ۲۰۱۵) می‌باشد. همچنین در ترکیه حدود ۷۰ الی ۷۵

درصد مردم ترک، ۱۸ درصد کرد و ۷ الی ۱۲ درصد را سایر باشندگان قومی ترکیه تشکیل می‌دهند. (ویکی‌پدیا) گونه ترکی کشور ترکیه بر پایه گویش اُغوز ترکان سلجوقی استوار است. (امینی، ۱۳۹۲: ۳۴)

۳. چارچوب نظری پژوهش

در طول قرن نوزدهم اساسی‌ترین نوع رده‌شناسی زبانی که اصطلاحاً رده‌شناسی صرفی نام گرفت به طبقه‌بندی زبان‌ها از طریق ترکیب تکواژها در جهت تولید واژه پرداخت بر این اساس سه نوع رده‌بندی در زبان معرفی گردید. ۱. زبان‌های انفرادی^۴ مانند زبان انگلیسی ۲. زبان‌های پیوندی^۵ که متشکل از ترکیب تکواژها می‌باشد. مانند زبان ترکی که در آن هر تکواژ نماینده یک آوا یا بیشتر در واژه می‌باشد. ۳. زبان‌های آمیخته^۶ مانند زبان روسی. (Comrie, 1988: 145) رده‌شناسی زبان "مطالعه نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها می‌باشد" (Comrie, 2001: 25) به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲)

ذکر این نکته ضروری می‌نماید که علیرغم تمایز همگانی‌های زبانی با رده‌شناسی این دو همواره به موازات یکدیگر در طول ادوار تاریخچه زبانی به پیش رفته اند، و شباهت‌های زبان‌ها و در عین حال رده‌بندی آنان را دنبال کرده‌اند. (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۷)

رده‌شناسی زبانی به عنوان زیر مجموعه‌ای از زبان‌شناسی که به دنبال همگانی‌ها می‌باشد به مطالعه و طبقه‌بندی زبان‌ها بر اساس ساختارهای مشابه و متفاوت آنها می‌پردازد. (میردهقان و مهمانچیان، ۲۰۱۲: ۳۷۱)

چهار نوع جهانی را می‌توان در مطالعات رده‌شناسی امروز مشاهده نمود: همگانی‌های مطلق تلویحی، همگانی‌های نسبی تلویحی، همگانی‌های مطلق غیر تلویحی، همگانی‌های نسبی غیر تلویحی (گلفام، ۱۳۷۹: ۱۸۴). اغلب همگانی‌های گرینبرگ از نوع تلویحی و به شکل "اگر x آنگاه y"^۷ می‌باشند. (Howe: 217)

گرینبرگ با تکیه بر توالی عناصر معنی‌دار در برخی همگانی‌های دستور، دریچه‌ای نو در پژوهش‌های رده‌شناختی گشود. وی در بررسی ۳۰ زبان، که هیچ یک از زبان‌های ایرانی جزء فهرست وی نیست، ۴۵ همگانی تلویحی را به دست داده است. لازم به ذکر است، که گاه

همگانی‌های تلویحی، همگانی‌های گرینبرگی نیز نامیده می‌شوند و گاه به دلیل اینکه این همگانی‌ها بر اساس داده‌های بسیاری بر مبنای بررسی تعداد قابل ملاحظه‌ای از زبانهای دنیا پیشنهاد می‌گردد، به آنها همگانی‌های آماری نیز گفته می‌شود. از میان همگانی‌های معرفی شده گرینبرگ، ۲۸ مورد آنها با ترتیب واژه^۹ (توالی ارکان اصلی جمله) و ۱۷ مورد دیگر در ارتباط با مقوله‌های تصریفی همچون زمان، نمود و... می‌باشند (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: ۲۳)

آوانویسی داده‌ها در بخش ۴-۱ مقاله بر اساس جدول واکه‌های ۲-۱، جدول همخوان‌های ۲-۲، ۲-۳ و ۴-۲ صورت پذیرفته است. البته لازم به ذکر است جدول همخوان‌ها با توجه به افتراقات همخوانی با زبان فارسی ارائه گردیده است و اشتراکات به دلیل انطباق با همخوان‌های زبان فارسی آورده نشده است.

جدول ۲-۱: واکه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی

واکه افراشته پسین گرد	/i/	واکه افراشته پیشین غیر گرد
واکه افراشته پسین خنثی	/y/	واکه افراشته پیشین گرد
واکه نیمه افراشته پسین گرد	/e/	واکه نیمه افراشته پیشین غیر گرد
	/ø/	واکه نیمه افراشته پیشین گرد
واکه افتاده پسین غیر گرد	/æ/	واکه افتاده پیشین غیر گرد

جدول ۲-۲: همخوان‌های متمایز از زبان فارسی در ترکی رزن^۹

انسدادی-کامی-واکدار	/ʃ/	ناسوده-لی دندانی
ناسوده-کامی	/z/	انسدادی-ملازی-واکدار
سایشی-ملازی-بی‌واک	/x/	سایشی-ملازی-واکدار
انسدادی-کامی-بی‌واک	/c/	

جدول ۲-۳: همخوان‌های متمایز از زبان فارسی در ترکی تبریز^{۱۰}

انسدادی-کامی-واکدار	/ʃ/	انسدادی-کامی-بی‌واک
ناسوده-کامی	/z/	انسدادی-نرمکامی-واکدار
سایشی-ملازی-بی‌واک	/x/	سایشی-ملازی-واکدار

جدول ۲-۴: همخوان‌های متمایز از زبان فارسی در ترکی استانبولی^{۱۱}

/j/	انسدادی-کامی-واکدار	/c/	انسدادی-کامی-بی‌واک
/z/	ناسوده-کامی	/g/	انسدادی-نرمکامی-واکدار
/ʒ/	سایشی-ملازی-بی‌واک	/k/	انسدادی-نرمکامی-بی‌واک
/r/	زنشی-لثوی-واکدار	/w/	ناسوده-نرمکامی-واکدار

۴. روش تحقیق

در راستای رسیدن به اهداف پژوهش داده‌ها از سه گونه مذکور، به روش مصاحبه با گویشوران بومی، ضبط صدا و آوانگاری داده‌ها ثبت شده است. علاوه بر آن از داده‌های ثبت شده ترکی رزن در جعفری (۱۳۸۱) نیز بهره برده شده است.

گونه‌های رزن، تبریز و استانبولی در راستای پارامتر ترتیب واژه و مقوله‌های تصریفی بر چارچوب همگانی‌های گرینبرگ بررسی گردیده است و تمامی همگانی‌هایی که درگونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی کاربرد می‌یابند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و در نهایت به نتیجه‌گیری درباره درصد کارایی این اصول و عملکرد آنها در سه گونه مذکور، پرداخته شده است. لازم به ذکر است، روند بررسی به صورت تکواژ به تکواژ^{۱۲} می‌باشد. به عبارت دیگر در بررسی داده‌ها در ابتدا داده‌های ترکی رزن و سپس داده‌های ترکی تبریز و در نهایت داده‌های ترکی استانبولی آورده شده و پس از آن توضیحات گرامری هر بخش از داده‌ها نوشته شده است و سپس معادل سازی توضیحات گرامری و در نهایت معادل کل داده به زبان فارسی ارائه گردیده است. نکته حائز اهمیت در تحلیل مذکور این است که به دلیل تشابه بسیار زیاد داده‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی چه به لحاظ نحوی و چه به لحاظ ترتیب واژه در جمله، از جدانویسی مثال‌ها برای هر گونه به دلیل بالا رفتن حجم مقاله، خودداری شده است.

۵. تحلیل داده‌ها

۵-۱ بررسی همگانی‌های گرینبرگ در گونه ترکی رزن، تبریز و استانبولی

در پیکره پژوهش به دلیل محدودیت حجم مقاله، در صورت نیاز در مورد هر همگانی، به یک

مثال بسنده شده است.

همگانی ۱: "در جمله‌های خبری دارای فاعل و مفعول از نوع اسم می‌باشند، ترتیب غالب تقریباً همیشه آن است که در آن فاعل پیش از مفعول واقع می‌گردد."

مثال ۱:

رزن: *ælireza-nujør-d-y:

تبریز: *æliriza-nijør-d-i:

استانبولی: *aliriza-jujør-d-ø:

بن‌وند ماضی‌ساز - شناسه سوم شخص مفرد - مفعولی سوم شخص مفرد - فاعل

تطابق با فاعل - دید را. رضا علی

"علی رضا را دید"

هر سه گونه، از همگانی ۱ تبعیت می‌نماید. البته ذکر این نکته ضروری است که واژه‌ها در هر سه گونه به لحاظ هماهنگی ممیزه‌های پسین و گردی عملکرد متفاوتی دارند که در جعفری (رساله دکتری، در دست انجام)، به‌گونه مبسوط در مورد آنها بحث می‌شود.

همگانی ۲: "زبانهایی که دارای پیش اضافه می‌باشند، مضاف الیه تقریباً همیشه به دنبال مضاف می‌آید، در حالیکه زبانهای دارای پس اضافه تقریباً همیشه مضاف الیه پیش از مضاف می‌آید."

مثال ۲:

رزن: *æli-nijcitab-u:

تبریز: *æli-nincitab-e:

استانبولی: *ali-nincitab-uu:

سوم شخص مفرد خنثی - اسم سوم شخص مفرد مذکر - اسم

تطابق با مضاف الیه - کتاب - ملکیت - علی

"کتاب علی"

هر سه گونه مورد نظراز گونه‌های پس اضافه می‌باشند و همگانی ۲ را تایید می‌نماید؛ یعنی مضاف الیه قبل از مضاف در این گونه‌ها می‌آید که دقیقاً عکس فارسی می‌باشند. البته لازم به ذکر است که گونه‌های ترکی رزن و تبریز به همان دلیل آشنا؛ یعنی تحت تاثیر قرار گرفتن از زبان فارسی بر اثر مجاورت و ارتباط بسیار زیاد و نزدیک گویشوران، در مواردی به جای استفاده از پس اضافه از پیش اضافه های فارسی در ساختارها استفاده می‌نمایند که البته

ساختاری مغلوب و غیر رسمی محسوب می‌شوند.

همگانی ۳: "زبانهایی که ترتیب غالب آنها فعل، فاعل، مفعول است، همیشه پیش اضافه هستند."

همانگونه که در همگانی ۲ اشاره گردید، گونه‌های مذکور پس اضافه می‌باشند و ترتیب غالب آنها همانند فارسی فاعل، مفعول، فعل است. بنابراین همگانی ۳ را تایید نمی‌نمایند. البته لازم به ذکر است که ترتیب فعل، فاعل، مفعول را می‌توان به شکل مغلوب (دارای بسامد و قوع بسیار پایین) در ساختار اشاره شده در همگانی ۳ به کار برد.

همگانی ۴: "زبانهایی که ترتیب طبیعی فاعل، مفعول، فعل دارند، با بسامد و قوع بسیار بالاتر از حد تصادف، پس‌اضافه‌اند."

بر خلاف فارسی، که دارای ترتیب بالا می‌باشد اما ناقض همگانی ۴ است، گونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی مؤید این همگانی هستند. چون همانگونه که در همگانی ۲ اشاره شد این سه گونه به صورت رسمی و غالب پس اضافه می‌باشند و ترتیب غالب و طبیعی آن فاعل، مفعول، فعل است.

همگانی ۵: "اگر زبانی دارای ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل باشد و مضاف الیه بعد از مضاف قرار گیرد، آنگاه صفت هم پس از موصوف می‌آید."

مثال ۳:

- * rzn: jaɣtʃooɣɫan
- * tbrz: jaɣtʃuooɣɫan
- * istnb: ʔitʃodʒuk
- اسم صفت
- پسر خوب
- "پسر خوب"

همانگونه که مشاهده می‌گردد، علیرغم اینکه در این سه گونه^{۱۳} که در زمره زبان‌های پس اضافه می‌باشند و مؤید همگانی ۲ نیز می‌باشند، همگانی ۵ را تایید نمی‌نماید؛ یعنی صفت پیش از موصوف در این سه گونه به کار می‌رود.

البته این همگانی در مورد زبان فارسی صادق است. (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۶)

همگانی ۶: "همه زبانهایی که دارای ترتیب غالب فعل، فاعل، مفعول می‌باشند، شق دیگر

ساختاری آنها و تنها ساختار پایه دیگر، فاعل، مفعول، فعل می‌باشد.^۶ هر سه گونه مذکور، همانند فارسی دارای ترتیب‌های متفاوت می‌باشند. و فقط به دو نوع مذکور در همگانی ۶ ختم نمی‌گردند. بنابراین همگانی ۶ تایید نمی‌گردد. البته ترتیب غالب و کاربردی همان فاعل، مفعول، فعل می‌باشد.

همگانی ۷: "اگر در یک زبان ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل باشد ساختار دیگری برای آن وجود نخواهد داشت و یا فقط می‌تواند دارای ساختار مفعول، فاعل، فعل باشد؛ سپس، تمامی توصیف‌گرهای قیدی پیش از فعل می‌آیند.

مثال ۴:

رن: *æli-ne reza tʃoχ narahæt elæ-d-e

تبریز: *æli-ne reza tʃoχ narahat elæ-d-e

استانبولی^۴: *ali-ji reza tʃok ʔyzdy

بن-وند ماضی-ساز-شناسه صفت سوم شخص مفرد-مفعولیسوم شخص مفرد-فاعلی قید

تطابق با فاعل - کرد ناراحت خیلی رضا را-علی

"علی را، رضا خیلی ناراحت کرد"

همانگونه که گفته شد، ساختار جمله، در گونه‌های مذکور همانند فارسی تنوع دارند. بنابراین بخش اول این همگانی تایید نمی‌گردد اما بخش دوم آن همگانی یعنی آمدن قیده‌ها به قبل از فعل، در این دو گونه، تایید می‌گردد.

یادآوری: در هر سه گونه، ترتیب فوق بسیار کاربرد پایین دارد و ترتیب غالب همان ترتیب فاعل، مفعول، فعل می‌باشد.

همگانی ۸: "زمانیکه پرسش‌های بله - خیر به جای استفاده از الگوی طبیعی پرسشی، از الگوی تغییر آهنگ^۵ استفاده نمایند، ویژگی‌های ممیز هر یک از این الگوها در انتهای جمله مشخص می‌شود تا ابتدای جمله."

مثال ۵:

رن: *ælireza-jade-d-e?

تبریز: *ælirizi-jade-d-i?

استانبولی: *aliriza-jasoylæ-d-i-me?

بن-وند ماضی-ساز-شناسه سوم شخص مفرد-مفعولی سوم شخص مفرد-فاعلی

تطابق با فاعل -گفت به- رضا علی

" علی، به رضا گفت؟"

همانگونه که در مثال مشاهده می‌گردد، در گونه رزن و تبریز، همانند فارسی، می‌توان از الگوی تغییر آهنگ به شکل خیزان برای پرسش استفاده نمود. و الگوی پرسشی آن نیز با تغییر آهنگ در انتهای جمله برقرار می‌گردد. در گونه استانبولی به دو شکل جملات پرسشی به-خیر تولید می‌گردد: ۱. کلمه پرسشی معادل تقریبی "آیا" در ابتدای جمله قرار می‌گیرد و همزمان هم کلمه پرسشی و هم پسوند "me" برای هماهنگی و مطابقت، استفاده می‌گردد. ۲. در صورت فقدان کلمه پرسشی در ابتدای جمله از پسوند "me" در پایان جمله استفاده می‌گردد. لازم به ذکر است که در هر دو حالت تغییر آهنگ در پایان جمله وجود دارد. در نتیجه همگانی^۸ در هر سه گونه تایید می‌گردد. در این مجال فقط از باب اطلاع این نکته ذکر می‌گردد که در واژه‌های دو گونه رزن و تبریز به ویژه گونه استانبولی به لحاظ واجی (در ارتباط با تغییرات واکه‌ای) اختلافاتی وجود دارد که در جعفری (رساله دکتری، در دست انجام) به دقت در چارچوب ممیزه هماهنگی واکه‌ای بررسی می‌گردد.

همگانی^۹: "زمانیکه کلمه یا وند پرسشی از طریق ارجاع به جمله به عنوان کل، در ابتدا قرار گیرد، آن زبان پیش اضافه می‌باشد. در صورتیکه در انتها قرار بگیرد، پس اضافه محسوب می‌شود."

این همگانی به دلیل اینکه کلمه پرسشی در ابتدا قرار می‌گیرد، اما هر سه گونه پس اضافه می‌باشد، رد می‌گردد. لازم به ذکر است که ترتیب غالب الگوی پرسشی در گونه‌های رزن و تبریز، همان تغییر در آهنگ انتهای جمله می‌باشد و تقریباً به ندرت کلمه پرسشی آیا در ابتدای جمله قرار می‌گیرد که البته کاربرد واژه "آیا" تحت تاثیر زبان فارسی می‌باشد. در گونه استانبولی هر دو ترتیب ذکر شده تولید می‌گردد.

همگانی^{۱۰}: "زمانیکه کلمه یا وند پرسشی توسط ارجاع به یک کلمه خاص مشخص گردد، جمله پس از آن کلمه واقع می‌گردد. اینگونه کلمات پرسشی در زبانهایی که ترتیب غالب آنها، فاعل، مفعول می‌باشد، اتفاق نمی‌افتد."

مثال^۶:

رزن: *joræjæli reza-jade-d-e?

تبریز: *joræsænæli rizi-jade-d-i?

استانبولی: *ædʒæbaali riza-jasoylæ-d-i-me?

بن-وند ماضی-ساز-شناسه سوم شخص مفرد-مفعولی سوم شخص مفرد فاعلیکلمه پرسشی

تطابق با فاعل -گفت به- رضا علی آیا

"آیا علی، به رضا گفت؟"

همگانی ۱۰ به دلیل اینکه هر سه گونه دارای ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل می‌باشد، به نوعی می‌تواند مؤید این همگانی باشد. البته جهت یادآوری، در دوگونه رزن و تبریز، گویشورانی که تحت تاثیر زبان فارسی قرار گرفته‌اند از کلمه پرسشی فارسی (آیا) به جای آن استفاده می‌نمایند که البته بسامد وقوع آن بسیار پایین می‌باشد.

همگانی ۱۱: "وارونه‌سازی (پس و پیش‌سازی) ترتیب جمله به این گونه که فعل مقدم بر فاعل گردد، فقط در زبانهای اتفاق می‌افتد که کلمه یا عبارت پرسشی، به طور طبیعی در ابتدای (جمله) قرار می‌گیرد. این وارونه‌سازی در(جملات) پرسشی بله- خیر نیز با این پیش شرط که کلمه پرسشی در ابتدای جمله پرسشی واقع گردد، اتفاق می‌افتد."

در تبیین این همگانی اینگونه می‌توان گفت که، چون در گونه رزن و تبریز، کاربرد کلمه پرسشی به صورت ساختار مغلوب وجود دارد و در گونه استانبولی آوردن کلمه پرسشی به همراه پسوند "me" ساختار رایج می‌باشد و علاوه بر آن ساختار هایی که فعل قبل از فاعل واقع شود با بسامد وقوع پایین کاربرد می‌یابد. بنابراین به نوعی می‌تواند مؤید این همگانی نیز باشد.

همگانی ۱۲: "اگر زبانی دارای ترتیب غالب فعل، فاعل، مفعول در جملات خبری باشد، همیشه کلمه یا عبارت پرسشی در ابتدای جملات پرسشی قرار می‌گیرد؛ درصورتیکه ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل در جملات خبری باشد، هرگز این قاعده یکسان یا ثابت عمل نمی‌نماید."

در این همگانی، علیرغم اینکه این سه گونه دارای ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل می‌باشند، اما در صورت لزوم، از آوردن کلمه پرسشی در ابتدای جملات پرسشی و نه جای دیگر، می‌توان سود برد که ناقض **همگانی ۱۲** می‌باشد؛ به عبارت دیگر قاعده فوق ثابت می‌باشد. این نکته باید دوباره مورد تاکید قرار گیرد که در دو گونه رزن و تبریز معمولا از کلمه پرسشی (آیا) به دلیل تاثیر از فارسی استفاده می‌نماید و به خودی خود در بیشتر موارد همان الگوی تغییر آهنگ را برای جملات پرسشی به کار می‌برد. به عبارت دیگر می‌توان این‌گونه گفت که در این سه گونه مشخصه زبر زنجیری آهنگ در پدید آمدن الگوی پرسشی، کاربرد دارد. البته ذکر

این نکته ضروری است که گاهی اوقات بر حسب ضرورت و تاکید، معادلی برای واژه "آیا" ()
 joræj - joræsæn به ترتیب در گونه ترکی تبریز و رزن به کار می‌رود. البته واژه پرسشی در
 استانبولی (ædʒæba) می‌باشد.

همگانی ۱۴: "در جملات شرطی، مانند ترتیب طبیعی در تمام زبانها، عبارات شرطی قبل از
 نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد."

مثال ۷:

رزن: * (ajæ)æli jæl-æreza-nujør-ær:

تبریز: * (ajæ)æli jæl-særiza-nijør-ær:

استانبولی: * (ajær)ali jælir-særeza-jujør-yr:

بن-شناسهبن-شناسهسوم شخص مفرد-مفعولی ادات شرطسوم شخص مفرد فاعلی

تطابق با فاعل - می‌بیند را - رضا تطابق با فاعل - بیاید علی اگر

"اگر علی بیاید، رضا را می‌بیند."

همانگونه که در مثال مشاهده می‌گردد، عبارت شرط قبل از نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد.
 بنابراین همگانی ۱۴ مورد تایید است. البته لازم به توضیح است که در برخی موارد نادر، حالت
 عکس ممکن است به وقوع بپیوندد که در بیشتر اینگونه موارد این حالت عکس، برای تاکید به
 کار می‌رود. لازم به ذکر است، ادات شرط می‌تواند پیش از فاعل نیز (همانند فارسی) در عبارت
 شرط بیاید. البته در برخی موارد ادات شرط به طور کامل حذف می‌گردد؛ به گونه ای که خود
 عبارت مفهوم شرط را بیان می‌نماید.

همگانی ۱۸: "هرگاه صفت توصیفی قبل از اسم واقع گردد، صفت اشاره و عدد بیشتر از
 بسامد تصادفی قبل از اسم واقع می‌شوند."

مثال ۸:

رزن: * godʒaarvad*dørd(dænæ)giz*?ocishi:

تبریز: * godʒaarvad*dørt(dana)guuz*?ocishi:

استانبولی: * jaʃlukadun*dørtkuuz*?oadam:

اسم صفت اشاره شماراسم اسم صفت

مردآندختر چهار زن پیر

"آن مرد" "چهار دختر" "زن پیر"

همگانی ۱۸ در این گونه‌ها مورد تایید قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است، واحد شمارش در هر

دو گونه رزن و تبریز، کاربرد اختیاری دارد. البته به نظر می‌آید در صورت ساختار تأکیدی، کاربرد آن غالب است.

همگانی ۱۹: "زمانیکه، قاعده معمول این باشد که، صفت توصیفی بعد از اسم واقع گردد، اقلیتی از صفت‌ها معمولاً پیش از اسم واقع می‌شوند، اما زمانیکه قاعده معمول بر این باشد که، صفت توصیفی قبل از اسم بیاید استثنایی وجود ندارد."

در گونه‌های مذکور به دلیل اینکه صفت توصیفی قبل از اسم واقع می‌گردد و هیچ گونه استثنایی دیده نشده است، بخش دوم **همگانی ۱۹** مورد تأیید واقع می‌گردد.

همگانی ۲۰: "زمانیکه تمام اقلام (صفات اشاره، عدد و توصیفی) قبل از اسم واقع گردند، همیشه به همان ترتیب واقع می‌شوند. در صورتیکه آنها پس از اسم واقع گردند، ترتیب ممکن است یا همان باشد و یا عکس آن."

بخش اول **همگانی ۲۰** نیز به همان دلیل مذکور در همگانی ۱۹ مورد تأیید می‌باشد.

همگانی ۲۳: "اگر در بدل، اسم خاص معمولاً مقدم بر اسم عام گردد، آنگاه در زبان مورد نظر مضاف بر مضاف الیه مقدم می‌شود. با بسامد وقوع بیش از حد تصادف، در صورتیکه اسم عام مقدم بر اسم خاص گردد، آنگاه مضاف الیه مقدم بر مضاف می‌گردد."
مثال ۹:

رزن: * ajlaruŋgejnæna-sobehnaz

تبریز: * ajlarungejnæna-sibehnaz

استانبولی: * ajlarun¹kujun-valede-sibehnaz

کسره اضافه‌اسم خاص - مضاف الیه مضاف

بهناز - مادر شوهر آیلاز

"مادر شوهر آیلاز، بهناز"

در این سه گونه، در هر دو حالت یعنی تقدم اسم عام بر اسم خاص و بالعکس، بدون رویت هر گونه استثنایی (بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته توسط پژوهشگر) مضاف الیه مقدم بر مضاف می‌باشد. البته با کمی تسامح می‌توان بخش دوم همگانی را مورد تأیید دانست؛ به عبارت دیگر در صورتیکه اسم عام مقدم بر اسم خاص باشد، مضاف الیه مقدم بر مضاف می‌باشد. اما به دلیل اینکه هر دو توالی با بسامد وقوع تقریباً یکسان در هر سه گونه به کار می‌رود، **همگانی ۲۳** را نمی‌تواند به درستی مورد تأیید قرار دهد. بنابراین به نظر پژوهشگر به

دلیل کاربرد هر دو ساختار در این سه گونه، همگانی مذکور موضوعیت طرح را نخواهد داشت. همگانی ۲۴: "اگر عبارت وابسته (توصیفی) قبل از اسم واقع گردد، خواه تنها ساختار محسوب گردد، خواه شق دیگری نیز وجود داشته باشد، یا زبان پس اضافه می‌باشد یا صفت قبل از اسم واقع می‌گردد و یا هر دو."

مثال ۱۰:

* mehri?ogodʒacishi-ne ʃør-d-y: رزن

* mehri?ogodʒacishi-niʃør-d-i: تبریز

* mehri?oʒaʃluadam-u(u)¹⁷ ʃør-d-ø: استانبولی

بن‌وند ماضی‌ساز-شناسه اسم-مفعولی صفت اشاره صفت سوم شخص مفرد فاعلی
تطابق با فاعل- گذشته‌ساز- دید را- مرد پیر آن مهري

"مهري آن پير مرد را ديد."

* mehri ?o cishi ce ʒodʒa-j-du ʃør-d-y: رزن

* mehri ?o cishinice ʒodʒe-j-di ʃør-d-i: تبریز

* mehri ?o cishinice ʒaʃlu-j-du ʃør-d-ø: استانبولی

بن‌وند ماضی‌ساز-شناسه حرف ربط فعل ربطی-صفت سوم شخص مفرد فاعلی صفت اشاره سوم شخص مفرد فاعلی
تطابق با فاعل- گذشته‌ساز- دید بود- پير که (را)- مرد آن مهري

"مهري آن مرد (را) که پير بود ديد."

درگونه‌های مذکور، علاوه بر اینکه پس اضافه می‌باشند، صفت هم قبل از اسم به کار می‌رود. اما همانگونه که در مثال مشاهده می‌گردد، عبارت توصیفی بعد از اسم واقع می‌گردد که این خود ناقص همگانی ۲۴ می‌باشد. البته ذکر این نکته ضروری می‌نماید که چون ترکی از زبانهای پیوندی است، بنابراین همانگونه که در مثال دیده می‌شود، عبارت توصیفی در جمله در قالب یک کلمه بیان می‌گردد؛ به عبارت دیگر، تکواژهای متعدد نشان دهنده واژه‌ها می‌باشند. همچنین در مثال فوق (i) همخوان میانجی به حساب می‌آید.

همگانی ۲۶: "اگر زبانی دارای وندهای منقطع^{۱۸} باشد، آن زبان یا پیشوند^{۱۹} دارد یا پسوند^{۲۰}

دارد ویا هر دو."

مثال ۱۱:

* mahancetab-uæli-j-æver-d-e: رزن

* mahancitab-eæli-j-æver-d-e: تبریز

استانبولی: *mahancitab-uali-j-aver-d-e

بن-وند ماضی-ساز-شناسه سوم شخص مفرد متممی سوم شخص مفرد مفعولی سوم شخص مفرد فاعلی
تطابق با فاعل-گذشته-ساز-داد به-علی را-کتاب ماهان
"ماهان کتاب را به علی داد."

همانگونه که در مثال مشاهده می‌گردد، /-u/، /-e/، /-u/، /-u/، /-æ/، /-a/، /-d/ و /-e/ به ترتیب در
کلمات cetabu، citabe، citabuu، ælijæ و verde پسوند محسوب می‌گردند. بنابراین همگانی ۲۶ مورد
تایید واقع می‌گردد. البته تا آنجاییکه پژوهشگر بررسی نموده است، پیشوند و میانوند در
گونه‌های مذکور رویت نگردیده است.

همگانی ۲۷: "اگر زبانی، صرفاً دارای پسوند باشد، پس اضافه می‌باشد. در صورتیکه صرفاً
دارای پیشوند باشد، آن زبان پیش اضافه محسوب می‌گردد."
بخش اول در همگانی ۲۷ با توجه به مثال همگانی ۲۶ و دیگر مثال‌ها مورد تایید می‌باشد؛
به عبارت دیگر این گونه‌ها صرفاً دارای پسوند می‌باشد و جزء زبان‌های پس اضافه محسوب
می‌گردد.

همگانی ۲۸: "اگر در یک زبان هم وند اشتقاقی وهم وند تصریفی پس از ریشه بیابند، یا هر
دو پیش از ریشه قرار گیرند، وند اشتقاقی همواره بین ریشه و وند تصریفی واقع می‌گردد."
مثال ۱۲:

رزن: *jæɪ -miʃ -d-ilæɾ

تبریز: *jæɪ -miʃ -d-ilæ(r)

شناسه سوم شخص جمع وند ماضی-ساز پسوند صفت مفعولین

ند بود-گذشته ساز-آمد

استانبولی: *jæɪ -miʃ -læɾ -de

وند ماضی-ساز شناسه سوم شخص جمع پسوند صفت مفعولین
بود-گذشته ساز ند-آمد
"آمده بودند."

در گونه‌های حاضر، آن گونه که در مثال ملاحظه می‌گردد، وند اشتقاقی به ریشه نزدیکتر
از وند تصریفی است. به عبارت دیگر، وند اشتقاقی بین ریشه و وند تصریفی قرار می‌گیرد. اما
در گونه استانبولی در برخی موارد وند اشتقاقی پس از وند تصریفی آمده است. بنابراین
همگانی ۲۸ تایید می‌گردد. البته آن گونه که از داده‌های جمع‌آوری شده مشاهده گردیده است،

کاربرد همخوان (r) در پسوند -ilær در گونه ترکی تبریز اختیاری است؛ هم می‌تواند حذف شود و هم تلفظ گردد. همچنین در گونه استانبولی در برخی موارد همانند مثال بالا، ترتیب شناسه و وند ماضی‌ساز عکس رزن و تبریز می‌باشد که این خود پژوهشی دیگر در این زمینه می‌طلبد.

همگانی ۲۹: "اگر (زبانی) دارای وند تصریف است، همواره دارای وند اشتقاقی است."
همانگونه که در مثال‌ها از هر سه گونه، مشاهده می‌گردد، **همگانی ۲۹** مورد تایید می‌باشد.
همگانی ۳۰: "اگر (در زبانی) فعل دارای طبقه بندی شخص و شمار باشد و یا دارای طبقه بندی جنسیت باشد، آن همیشه دارای طبقه بندی زمان می‌باشد."

مثال ۱۳:

رزن: *ʔo oɾʔan jæl-d-e giz jæl-d-e *ʔo
تبریز: *ʔo oɾʔan jæl-d-e guz jæl-d-e *ʔo
استانبولی: *ʔo oɾʔan jæl-d-i kuuz jæl-d-i *ʔo

اسمین-وند ماضی‌ساز-شناسه صفت اشاره بن-وند ماضی‌ساز-شناسه اسم صفت اشاره
تطابق با فاعل-آمد پسر آن تطابق با فاعل-آمد دختر آن
"آن پسر آمد." "آن دختر آمد"

با توجه به مثال، در هر سه گونه، تمایز درجنس؛ طبقه بندی در جنسیت، مشاهده نمی‌گردد، اما دارای طبقه بندی شخص و شمار برای هر ۶ صیغه در حالت های صرفی گوناگون می‌باشند و البته دارای طبقه بندی زمانی نیز می‌باشند. بنابراین، **همگانی ۳۰** مورد تایید می‌باشد.

همگانی ۴۱: "اگر در زبانی به عنوان ترتیب غالب، فعل پس از فاعل و مفعول اسمی قرار گیرد، آن زبان تقریباً همیشه دارای نظام حالت می‌باشد"

مثال ۱۴:

رزن: *rezaæli-nijørd-y
تبریز: *rezaæli-nijørd-I
استانبولی: *rezaali-jijørd-ø

بن-وند ماضی‌ساز-شناسه سوم شخص مفرد مفعولی سوم شخص مفرد فاعلی
تطابق با فاعل-گذشته‌ساز-دیدار-علی رضا
"رضا علی را دید."

همانگونه که در نمونه‌های بالا و مثال‌های دیگر مشاهده می‌گردد، فاعل و مفعول اسمی پیش از فعل واقع می‌گردند و ترتیب غالب در این گونه‌ها، محسوب می‌گردند. بنابراین این سه گونه دارای نظام حالت از نوع فاعلی-مفعولی می‌باشند. بر اساس بررسی‌های انجام‌گرفته، نظام حالت ارگتیو در این گونه‌ها وجود ندارد. بنابراین از این لحاظ که گونه‌های مذکور دارای نظام حالت فاعلی-مفعولی می‌باشند، همگانی ۴۱ تایید می‌گردد.

همگانی ۴۲: "تمام زبانهایی که دارای طبقه بندی ضمیری می‌باشند حداقل دارای ۳ شخص و

۲ شمار هستند"

مثال ۱۵:

رزن: mænʒed-dimbizʒed-dij *

تبریز: mænʒed-dimbizʒed-diz *

استانبولی: mænʒid-dimbizʒid-dij *

بن-شناسه بن-شناسه ضمیر منفصل اول شخص جمع ضمیر منفصل اول شخص مفرد

"من رفتیم" "ما رفتیم"

رزن: Sænʒed-dijsizʒed-diz

تبریز: Sænʒed-dinsizʒed-diz

استانبولی: Sænʒit-tinsizʒit-tiniz

بن-شناسه "تو رفتی" "شما رفتید" بن-شناسه ضمیر منفصل دوم شخص جمع ضمیر منفصل دوم شخص مفرد

رزن: ?oʒed-de?olarʒed-dilæ(r)

تبریز: ?oʒed-de?olarʒed-dilæ(r)

استانبولی: ?oʒit-te?onnarʒit-tilæ(r)

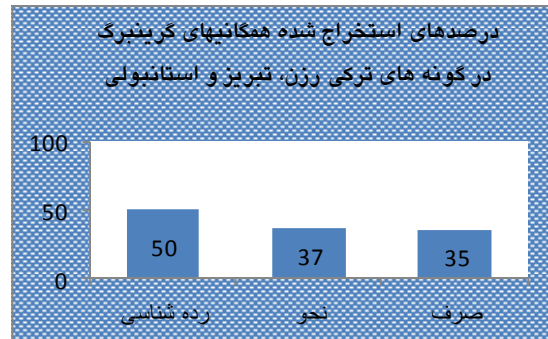
بن-شناسه "او رفت" "آنها رفتند" بن-شناسه ضمیر منفصل سوم شخص جمع ضمیر منفصل سوم شخص مفرد

در گونه‌های مذکور، شاهد وجود ۳ شخص مفرد و ۳ شخص جمع می‌باشیم. لازم به ذکر است که در هر سه گونه همانند فارسی، ضمائر متنوع می‌باشند با این تفاوت که در دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع دو ضمیر کاملاً مجزا به کار برده می‌شود؛ یعنی همانند فارسی نمی‌توان ضمیر دوم شخص جمع را به جای ضمیر دوم شخص مفرد (در جهت ادای احترام) به کاربرد و همچنین صرف فعل در ۶ صیغه در تمامی زمانها وجود دارد. بنابراین همگانی ۴۲ تایید می‌گردد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر، بررسی همگانی‌های گرینبرگ که در چارچوب ترتیب واژه و مقوله‌های تصریفی در گونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی که زیر شاخه زبان ترکی محسوب می‌گردند، بوده است. تاکنون، پژوهشی در این مقیاس که تمامی ۴۵ همگانی را بررسی نموده باشد، انجام نگرفته است. بنابراین از حیث نوع‌آوری، این پژوهش در راستای تایید یا عدم تایید همگانی‌های گرینبرگ، قابل ملاحظه می‌باشد. با توجه به اینکه برخی از همگانی‌ها در داده‌های سه گونه مذکور هیچ‌گونه کاربرد و انطباقی نداشته‌اند، از توضیح آنها به دلیل بالا رفتن حجم مقاله خودداری گردیده است.

بر این اساس، از ۶ همگانی اول که مربوط به رده‌شناسی زبان است، ۳ همگانی مورد تایید می‌باشد. در بخشهایی از ۳ همگانی دیگر انطباق‌هایی جزئی دیده می‌شود که در متن مقاله توضیح داده شده است؛ اما تایید نمی‌گردند. از ۱۹ همگانی که عملکرد آنها در محدوده نحو می‌باشد، ۶ همگانی (بخش دوم همگانی ۱۹ و ۷ در گویش‌های مذکور مورد تایید می‌باشند). مورد تایید است. از ۲۰ همگانی سوم که در حوزه صرف واقع می‌گردند، ۷ همگانی در این گویش‌ها کاربرد دارند و تایید می‌گردند. بنابراین، از ۴۵ همگانی در کل، ۱۶ همگانی به صورت کامل و دو همگانی به صورت ناقص کاربرد دارد که با کمی تسامح، تقریباً حدود ۴۰ درصد از همگانی‌ها در این گویش‌ها، مورد تایید می‌باشد. بنابراین در پاسخ به پرسش اول مقاله نتیجه گرفته می‌شود که تعداد همگانی‌های گرینبرگ، در سه گونه مورد بحث که از کارایی نسبی برخوردار هستند نسبتاً پایین می‌باشد. در پاسخ به پرسش دوم اینگونه می‌توان نتیجه‌گیری نمود که به دلیل قرابت بالای ساختاری، صرفی و نحوی سه گونه مورد بحث از منظر همگانی‌های گرینبرگ، در یک طبقه زبانی قرار می‌گیرند. البته تفاوت نسبی که در واژگان سه گونه مشاهده می‌گردد، خللی در تغییر نوع طبقه زبانی به وجود نمی‌آورد. لازم به ذکر است که همانگونه که در آمار و ارقام همگانی‌ها مشاهده می‌گردد بالاترین درصد کارایی همگانی‌های گرینبرگ به ترتیب در حوزه رده شناسی، نحو و صرف می‌باشد. ذکر این نکته ضروری می‌نماید که، در ظاهر بالاترین تعداد همگانی‌های تایید شده به ترتیب در حوزه نحو، صرف و رده‌شناسی می‌باشد اما به لحاظ درصد این ترتیب، به ترتیب ذکر شده؛ یعنی رده شناسی (۵۰ درصد)، نحو (حدود ۳۷ درصد) و صرف (۳۵ درصد) می‌باشد. (نمودار ۵-۱)



نمودار ۵-۱: درصدهای استخراج شده همگانی‌های گرینبرگ در گونه‌های ترکی رزن و تبریز و استانبولی

نتایج به دست آمده از پژوهش، فهرست‌وار در ذیل ارائه می‌گردد:

۱. انعطاف در تولید ساختارهای متنوع^{۲۱} مشاهده می‌گردد. البته ترتیب غالب^{۲۲} در این گونه‌ها فاعل، مفعول، فعل می‌باشد. (مثال‌های ۱ و ۱۴)
۲. درگونه‌های مذکور، مضاف الیه پیش از مضاف قرار می‌گیرد. (مثال ۲)
۳. انواع صفت (توصیفی، عدد و اشاره) قبل از موصوف می‌آیند. (مثال‌های ۸ و ۱۰)
۴. این گونه‌ها در رده زبانهای پس اضافه^{۲۳} قرار می‌گیرند. (مثال ۱۰ و همگانی ۲۷)
۵. الگوی تغییر آهنگ در این سه گونه در جهت تبدیل جملات خبری به پرسشی کاربرد فراوان دارد. اما عملکرد آن در گونه استانبولی کمی متفاوت می‌باشد یعنی اغلب یا از طریق پسوند فعلی و تغییر آهنگ و یا همزمان از طریق کلمه پرسشی و پسوند فعلی و تغییر آهنگ می‌توان جمله پرسشی بله-خیری را تولید نمود. (مثال ۵)
۶. کاربرد ادات شرط در این گونه‌رزن و تبریز اختیاری است، بدین معنی که جملات شرطی را می‌توان بدون استفاده از ادات شرط نیز به کار برد. ولیکن در گونه استانبولی تا آنجایی که بررسی گردیده است الزامی است. (مثال ۷)
۷. بدل^{۲۴} پیش از اسم خاص و پس از آن با بسامد وقوع تقریباً یکسان در گونه‌های مذکور

- واقع می‌گردد و در این سه گونه مضاف‌الیه قبل از مضاف واقع می‌گردد. (مثال ۹)
۸. این گونه‌ها فقط دارای پسوند می‌باشند و ردی از پیشوند و میانوند در آنها رویت نگردیده است. (مثال ۱۱)
۹. در گونه‌های حاضر، وند اشتقاقی به ریشه نزدیکتر از وند تصریفی است. (مثال ۱۲)
۱۰. نظام حالت در این گونه‌ها از نوع نظام فاعلی-مفعولی می‌باشد و نظام ارگتیو در آنها مشاهده نگردیده است. (مثال ۱۴)
۱۱. در این گونه‌ها، فعل در زمانهای^{۲۵} متعدد در ۶ صیغه صرف می‌گردد. همچنین دارای شمار (مفرد و جمع) می‌باشد. (مثال ۱۵)

۷. پی‌نوشت‌ها

1. variety
۲. همانگونه که می‌دانیم، همواره در تعاریفی که در ارتباط با واژه‌های زبان، گویش و لهجه و تفاوت های این واژه‌ها وجود دارند اختلافاتی هر چند جزئی دیده می‌شوند که علیرغم جزئی بودن آنها در موارد زیادی، سبب اختلاف در چه نامیدن یک گونه زبانی می‌گردند. به جهت اینکه در پژوهش حاضر، روند یکسانی پیش رو گرفته شود و سردرگمی برای خوانندگان ایجاد نگردد، به تعاریف این سه اصطلاح به صورت موجز پرداخته می‌شود. زبان^۱، دو گونه زبانی است که سخنگویان آن دو، فهم متقابل از یکدیگر ندارند. گویش^۲، دو گونه زبانی است علیرغم اینکه سخنگویان از یکدیگر فهم متقابل دارند، اما در عین حال بین آن دو گونه، تفاوت های آوایی، واجی، واژگانی و دستوری دیده می‌شود و تفاوتی که با لهجه^۳ پیدا می‌نماید، در این است که در عین فهم متقابل در لهجه، فقط تفاوت های آوایی و واجی مشاهده می‌گردد (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: بیست و سه). در همین راستا به منظور جلوگیری از خلط مبحث، پژوهشگر از اصطلاح خنثی "گونه" برای هر سه نوع ترکی مورد بحث استفاده می‌نماید.
۳. به دلیل اینکه منبع معتبری برای توضیحات جغرافیای و جمعیت در سه گونه مورد بحث وجود ندارد، برای این منظور به ناچار از ویکیپدیا استفاده گردیده است. البته در مورد گونه رزن صابری‌همدانی (۱۳۷۵) موجود می‌باشد اما اطلاعات آن در این زمینه قدیمی است و نمی‌توان به آن استناد نمود.
4. isolating
5. agglutinating

6. fusional
7. If x, then y
8. word order

۹. در ترکی رزن همخوان ناسوده-لیبی‌دندانی /θ/ و همخوان سایشی-لیبی‌دندانی در برخی مواقع واجگونه همدیگرند؛ یعنی تمایز این دو واج در برخی کلمات از بین می‌رود و با هر یک از این دو واج صدای مورد نظر در گونه ترکی رزن تلفظ می‌گردد. البته بسامد تکرار همخوان ناسوده-لیبی‌دندانی بیشتر است. در ترکی تبریز همخوان ناسوده-لیبی‌دندانی به صورت ناسوده-کامی تولید می‌شود. این تفاوت از معادل واژه ترکی مرغ در داده‌های جمع‌آوری شده هر دو گونه به‌دست‌آمده است. لازم به ذکر است در این موارد دو واجگونه در توزیع تکمیلی نمی‌باشند. آوانویسی واژه مرغ در ترکی رزن و تبریز: *toθux, toβux, tojuχ*.

۱۰. همانگونه که از مقایسه دو جدول همخوانی ترکی رزن و تبریز مشاهده می‌گردد واج انسدادی-نرمکامی-واکدار حاضر در گونه ترکی تبریز، در ترکی رزن وجود ندارد و به‌جای آن از واج انسدادی-ملازی-واکدار استفاده می‌گردد.

۱۱. در ترکی استانبولی بر خلاف دو گونه دیگر علاوه بر واج انسدادی-کامی-بی‌واک، واج انسدادی-نرمکامی-بی‌واک نیز مشاهده می‌گردد. همچنین واج ناسوده-نرمکامی-واکدار نیز در این گونه وجود دارد.

12. glossing

۱۳. در هر دو گونه ترکی رزن و تبریز، واج ناسوده کناری لثوی /l/ دارای واجگونه ناسوده کناری لثوی نرمکامی‌شده /l/ و همچنین در ترکی تبریز واج انسدادی-نرمکامی-واکدار /g/ دارای واجگونه سایشی-ملازی-واکدار /k/ در برخی موقعیت‌ها، می‌باشند. لازم به ذکر است در این موارد هر دو واجگونه در توزیع تکمیلی می‌باشند.

۱۴. برخلاف گونه رزن و تبریز، در گونه استانبولی واژه "ناراحت کرد" به صورت دو واژه مستقل نمی‌باشد بلکه در یک واژه و به صورت پیوند تکواژ تولید می‌گردد. البته پژوهشگر بر این باور است که این اختلاف بر اثر تاثیر نسبتاً بالای زبان فارسی بر روی گونه‌های رزن و تبریز می‌باشد.

15. intonation

۱۶. واژه مادر شوهر در گونه استانبولی بر خلاف دو گونه دیگر واژه ترکیبی است. (مادر+شوهر)=
(*kujuun+valede*)

۱۷. در گونه استانبولی دو واج (u), (u) در مورد فوق شنیده می‌گردد در نتیجه واجگونه یکدیگر می‌باشند که البته این دو واج در موقعیت‌های دیگر در توزیع تکمیلی می‌باشند و دو واج ممیز محسوب می‌گردند.

18. discontinuous

19. prefix
20. suffix
21. sov, svo, vso, osv,...
22. dominant order
23. postpositional
24. appositive
25. tenses

۸. منابع

- اژدرزاده، مسعود، (۱۳۸۲). بررسی فرآیند ترکیب با مرکب‌سازی در واژه‌سازی زبان ترکی آذری در چهارچوب اصل لیبر درباره ساخت موضوعی. کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- امینی، رضا، (۱۳۹۲). "دوگان‌سازی در زبان ترکی" *دوماهنامه علمی-پژوهشی جستارهای زبانی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، د ۵. ش ۳. (پیاپی ۱۹). ۲۷-۵۴.
- جراحی، بابک، (۱۳۷۹). آرایش سازه‌ها در زبان ترکی آذری. کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جعفری، محمد علی (۱۳۸۱). بررسی ساختمان فعل در گویش ترکی رزن. پایان نامه ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، مرکز تحصیلات تکمیلی.
- جعفری، بنی اردلان، (۱۳۷۴). بررسی ساختمان صرفی اجزاء کلام در گویش ترکی بهار (همدان) و مقایسه آن با زبان ترکی آذری. کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسابگر، حسن، (۱۳۷۱). نظام آوایی زبان ترکی آذری. کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حیدری مزرعه جهان، (۱۳۸۱). عبدالحسین، تجزیه و تحلیل فرآیندهای همگونی زبان ترکی آذری بر اساس واج‌شناسی خود واحد. کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده شناسی زبانهای ایرانی* (جلد اول) تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- دین محمدی، غلامرضا (۱۳۸۲). "رده شناسی در چهارچوب اصول و پارامترها"، تهران: *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۶۵، ۱۶۹-۱۸۴.
- رضی‌نژاد، محمد، (۱۳۸۱). واج‌شناسی گویش ترکی مشکین‌شهر بر پایه نظریه خود واحد. کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

- صابری همدانی، احمد (۱۳۷۵). *تاریخ مفصل همدان* (جلد اول) چاپ حدیث تهران.
- صادقی نیارکی، (۱۳۷۵). عبدالله، وندهای تصریفی و اشتقاقی ترکی با تکیه بر گویش نیارکی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عباسچی، ساحل، (۱۳۷۷). بررسی و طبقه بندی تکواژهای مقید ترکی آذری. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- قربانزاده کلانپایی، (۱۳۸۱). عیسی، بررسی مقایسه‌ای واژگان زبان ترکی استانبولی و آذری. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- گلفام، ارسلان (۱۳۷۹). "شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها و رده‌شناسی"، تهران: *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ش ۱۵۵، ۱۷۱-۱۹۰.
- محجوبی، شهراد، (۱۳۷۵). بررسی مقایسه‌ای واژگان در لهجه‌های ترکی آذری خلخال و آستارا از دیدگاه زبان شناسی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- محمدنژادشبللی، شمسی، (۱۳۸۰). بررسی اسم مرکب و مشتق در زبان ترکی آذری. کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مرادی، بهمن، (۱۳۸۰). مقایسه لهجه نرده با لهجه تبریز (دو گونه ترکی آذری). پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مظلومی، علیرضا، (۱۳۷۹). مقایسه آوایی و واژگانی گونه‌های ترکی چاپیاره و تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- میردهقان، مهین ناز (۱۳۸۷) *حالت نمایی افتراقی در زبان‌های هندی/اردو، پشتو و بلوچی در چهارچوب بهینگی واژنقشی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
- هاشمی‌بنی، رضا، (۱۳۷۹). توصیف زبان شناختی گویش ترکی بن. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.
- Bisang, Walter, (---), "*Typology3*". Mainz 7. Sommerschule der DGfS wbisang@mail.uni-mainz.de. Retrieved:
- <http://www.phil-fak.duesseldorf.de/summerschool2002/Bisang3.PDF.uni->
- Buch, Armin W. (2012), "*Linguistic Universals*". Retrieved:
- <http://www.sfs.uni-tuebingen.de/~abuch/12ws/lotw06.pdf>
- Comrie, Bernard. (1988). "*Linguistic Typology*." California: Los Angeles, University of Southern California, Department of Linguistics. 17: 145-159
- Greenberg, Joseph H. (1963), "*Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements*." Stanford University: Universals

of Language. London: MIT Press, pp. 73-113. Retrieved: <http://pkdas.in/JNU/typo/lu.pdf>

- Howe, Stephen, (---), "*A Re-examination of Greenberg's Universals.*" Retrieved: http://www.adm.fukuoka-u.ac.jp/fu844/home2/Ronso/Jinbun/L44-1/L4401_0209.pdf
- Guerra, Devon R. (2008), *A Comparison of Joseph Greenberg's "Language Universals" as Shown in the Palestinian Arabic, Spanish, and Korean Languages.* Retrieved: <http://digitalcommons.liberty.ed>
- Mirdehghan, M. & Mehmanchian, Sh. (2012). "*The Word Order in Saravi Dialect and Spoken Language: A Typological Comparative Study.*" Iranian Studies, volume 45, number 3.

• سایت‌های اینترنتی:

- https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%B1%D8%B2%D9%86
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%87>